عوامل بنیادین مؤثر در موفقیت جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام در عرصه تکامل معنوی

سیدحسین شفیعی دارابی[1]

نسرین انصاریان[2]

چکیده

با تأمل در مفاد پاره‌ای از آیات و روایات ناظر به شخصیت والای جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام، به‌وضوح می‌یابیم که وی از معدود صحابه نبوی موفق در عرصه «قوس صعودی» (تقرب به پروردگار کریم) بوده است. همین حیثیت معنوی او موجب گردیده است تا دانشوران مسلمان، در قالب نگاشته‌هایی مستقل و غیرمستقل، به شناسایی و تبیین کارکردهای نیک ایشان در این راستا بپردازند؛ اما در هیچ‌یک از آنها شناسایی و بررسی تحلیلی عوامل مؤثّر در دستیابی او به چنین موفقیت ارجمند، مورد توجه قرار نگرفته است. بدین جهت این مقاله، به شیوه توصیفی ـ تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری، پاسخ‌گوی این پرسش است که: «عوامل بنیادین مؤثر در دستیابی جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام به تکامل معنوی چیست؟». بر اساس یافته‌های پژوهش، این موارد در دو دسته معرفتی ـ شناختی، و رفتاری ـ عملی جای می‌گیرند. اموری همچون: معرفت به خداوند و ایمان راستین به او، معرفت و باور درست به نبوت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و رهروی کامل از آن بزرگوار، معرفت به قیامت و ایمان واقعی به آن و عبودیت خالصانه، از موارد معرفتی ـ شناختی است و اموری مانند بخشش در راه خدا، صبر همه‌جانبه در طریق بندگی خدا، مهاجرت برای حفظ دین، شهادت در جهت حفظ دین و بقای آموزه‌های قرآن و اهل‌بیت علیهم‌السلام و... از موارد رفتاری ـ عملی است.

واژگان کلیدی: واکاوی، عوامل بنیادین، تکامل معنوی، تقرب به خداوند، جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام.

---

۱. دکترای تفسیر و علوم قرآنی، هیئت علمی و استادیار جامعة المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله و مدیر گروه تفسیر وعلوم قرآنی جامعة الزهراء علیهاالسلام، قم، ایران؛ syedhosein_shafieidarabi@miu.ac.ir.

۲. دانش‌آموخته سطح چهار گرایش تفسیر تطبیقی، مدرس و پژوهشگر جامعة الزهراء علیهاالسلام، قم، ایران (نویسنده‌مسئول)؛ nasrinansarian959@gmail.com.

مقدمه

بر اساس آیات قرآن (انشقاق:۶)، سلوک الی الله برای همه انسان‌ها میسر است تا در جهت قوس صعودی حرکت کنند و سرانجام به قرب پروردگار دست یابند. اما برخی آیات (قمر:۵۵ـ۵۶ و اعراف:۱۷۵) بر این نکته تصریح دارند که تنها برخی از انسان‌ها به مراتبی از لقاء الهی و سیر الی الله دست می‌یابند و دسته‌ای دیگر با سوءاستفاده از قدرت اختیار خویش، در جهت خلاف این فراخوان سفیران الهی حرکت می‌کنند و مسیر ضلالت، سقوط و طریق منتهی به «قوس نزولی» را برمی‌گزینند و انتخاب می‌نمایند.

جناب جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام، بیست سال قبل از بعثت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در قبیله قریش و از طایفه «بنی‌هاشم» به دنیا آمد، او سومین فرزند «ابوطالب» و «فاطمه بنت اسد» بود که پس از طالب و عقیل و قبل از امام علی علیه‌السلام متولد شد. آموزه‌های دینی، شاهدی بر این مدعاست که این یار بزرگ نبوی و این شهید والامقام، در دستیابی به تقرّب معنوی، موفق بوده است و در طول عمر باعزتش توانست طریق سخت «قوس صعودی» را به‌درستی طی کند. بدین جهت، این پژوهش به دنبال واکاوی، کشف و تفسیر نمونه‌هایی از عوامل بنیادین مؤثر در دستیابی جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام به مراتب شایسته‌ای از «قوس صعودی» است.

پژوهشگران در این زمینه به تحقیق درباره شخصیت والای این صحابی برجسته پرداخته و آثار متنوعی را در راستای تشریح ویژگی‌های وی تألیف کرده‌اند. در این میان، کتاب‌های نگاهی به زندگانی حضرت جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام (پرنده بهشتی)، نوشته هادی آصفی و عباس تفکری آرایی؛ تحقیقی جامع پیرامون شخصیت و نماز جعفر طیار، به قلم علی‌محمد بروجردی و مقاله‌های «واکاوی چرایی همتایی حمزه‌بن‌عبدالمطلب علیه‌السلام و جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام در کلام اهل‌بیت علیهم‌السلام»، نگاشته هادی یعقوب‌زاده و نعمت‌الله صفری فروشانی و «بررسی فضائل جناب جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام»، نوشته روح‌الله سلطانی، نمونه‌هایی از این آثارند. بااین‌حال هیچ‌کدام از این نگاشته‌ها، در ارتباط با موضوع مقاله فراروی، به تبیین عوامل موفقیت معنوی جعفر نپرداخته‌اند.

۱. مفهوم‌شناسی

نظر به اهمیت روشن بودن مفهوم واژگان کلیدی در ثمردهی یک پروژه تحقیقاتی، قبل از پرداختن به مباحث اصلی، به تبیین چیستی این تعابیر پرداخته می‌شود:

۱ـ۱. عوامل

دانشوران لغوی فارسی‌نگار، اغلب از واژه «عوامل» مأخوذ از ریشه «عَ ـ مَ ـ لَ» به‌عنوان جمع دو لفظ «عامل» و «عامله» یاد می‌کنند و از تعابیری همچون: دست‌اندرکاران، کارکنان، کارگران، کارداران و ... به‌عنوان معنی آن نام می‌برند (دهخدا، ۱۳۱۰، ذیل واژه عامل). نکته شایان توجه اینکه غالباً در گفتمان‌ها و کاربردهای فارسی‌زبانان، کلمه عوامل، مترادف با واژه أسباب تلقی می‌شود که در این صورت، «عوامل» تنها به چیزهایی گفته نمی‌شود که «فعل» و «أثر» به آنها نسبت داده می‌شود؛ بلکه به چیزهایی اطلاق می‌گردد که عدم آنها موجب عدم «فعل» و «أثر» نیز خواهد شد (بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، بی‌تا، ذیل واژه سبب).

۱ـ۲. بنیاد

واژه «بنیاد» به معنای پایه و اساس، و مراد از «بنیادین» نیز اساسی، اصلی و ریشه‌ای است که متضاد آن، سطحی می‌باشد (دهخدا، ۱۳۱۰، ذیل واژه بنیاد). مراد از عبارت ترکیبی «عوامل بنیادین»، «سبب‌های اساسی و تأثیرگذار» می‌باشد.

۲. عوامل مؤثر در تکامل معنوی جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام

از تتبع در تاریخ زندگی حضرت جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام به‌وضوح می‌یابیم که در دستیابی این شخصیت والای معنوی به مراتبی از «قوس صعودی» و مدارجی از «تقرب به پروردگار کریم»، عوامل بسیاری تأثیرگذار بوده‌اند که در یک دسته‌بندی کلی می‌توان آنها را به عوامل «معرفتی ـ شناختی» و عوامل «عملی ـ رفتاری» تقسیم نمود.

۲ـ۱. عوامل معرفتی ـ شناختی

از مفاد بعضی از آیات و روایات چنین برمی‌آید که امور معرفتی ـ شناختی متعددی در

دستیابی افراد به قوس صعودی و تقرب معنوی مؤثرند. در این نوشتار، به واکاوی سه مصداق پیش رو بسنده می‌شود:

۲ـ۱ـ۱. معرفت به خداوند و ایمان راستین به او

برخی از آیات و روایات بر این نکته تصریح دارند که اگر بخواهیم به درجات عالی «تقرّب الی الله» دست یابیم، باید بالاترین مراتب ایمان را درک نماییم. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «نزدیك‌ترین مردم به خدای سبحان، نیك‌ایمان‌ترین آنهاست» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص۴۰).

برای رسیدن به مراتب بالای ایمان باید خداوند را همیشه همراه و ناظر اعمالمان ببینیم. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در این باره فرمود: «برترین [مرتبه] ایمان آن است که بدانی هر کجا باشی خدا با توست» (پاینده، ۱۳۸۲، ص۲۲۹). این ایمان، همواره انسان را متوجه خدا می‌کند و مسیر تقرّب را به او گوشزد می‌نماید.

جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام از مؤمنان راستین به پروردگار کریم بوده است و شاهد بر درستی مدعا اینکه:

الف) در شأن نزول آیه «کسانی که بدون حق از خانه‌هایشان اخراج شده‌اند، جز اینکه می‌گفتند: پروردگار ما خداست» (حج:۴۰) آمده است: آیه در مورد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، علی، حمزه و جعفر نازل شده است (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج۳، ص۵۰۱ و مجلسی، بی‌تا، ج۲۲، ص۲۸۲). براین‌اساس، جعفر از جمله کسانی بود که به‌درستی به ربوبیت خداوند اعتراف کرده و می‌گفت «رَبُّنَا اللَّهُ» و این اعتراف، از عوامل مؤثر در قوس صعودی وی بوده است.

ب) در شأن نزول آیه «و چون به آنان گفته شود: همان گونه که مردم ایمان آوردند، شما هم ایمان بیاورید ...» (بقره:۱۳)، به نقل از ابن‌عباس آمده است: مراد از «کَما آمَنَ النَّاسُ»، علی‌بن‌ابی‌طالب، جعفر طیار، حمزه، سلمان، ابوذر، عمار، مقداد، حذیفه و ... است (حسکانی، ۱۴۱۱، ج۱، ص۹۳). پس جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام ازجمله کسانی بود که خداوند از مؤمنان می‌خواهد ایمانی همانند او داشته باشند. این امر حاکی از خشنودی الهی از ایمان جعفر است.

همین ایمان راستین موجب شده است تا وی از مجاهدان الهی و به گفته قرآن، «انصار الله» شمرده شود. همان گونه که «قتاده» در بیان شأن نزول آیه «ای کسانی که ایمان

آورده‌اید! یاران خدا باشید ...» (صف:۱۴) گفته است: مراد از «أَنْصارَ اللَّهِ»، علی علیه‌السلام، حمزه، جعفربن‌ابی‌طالب و عثمان‌بن‌مظعون و دیگران هستند (بحرانی، ۱۴۱۵، ج۵، ص۳۶۹).

بی‌تردید در مقابل این مجاهدت الهی و «انصار الله» بودن این فرزانگان، «نصرت الهی» نیز نصیبشان خواهد شد. همچنین علی‌بن‌ابراهیم قمی در مقام اشاره به شأن نزول آیه «به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده، رخصت [جهاد] داده شده است؛ چراکه مورد ظلم قرار گرفته‌اند و البته خدا بر پیروزی آنان سخت تواناست» (حج:۳۹) آورده است: «این آیه، در حق امیرالمؤمنین علیه‌السلام، جعفربن‌ابی‌طالب و حمزه علیه‌السلام نازل شده است» (قمی، ۱۳۶۳، ج۲، ص۸۴ و مجلسی، بی‌تا، ج۲۲، ص۲۷۸).

۲ـ۱ـ۲. معرفت به رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله

بی‌شک معرفت به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و باور درست به نبوت آن بزرگوار و پیروی همه‌جانبه از آموزه‌های آن حضرت، از جمله عوامل مؤثر در دستیابی افراد (ازجمله جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام) به «تکامل و تقرب معنوی» به پروردگار بود؛ زیرا بر اساس آموزه‌های دینی، شناخت کامل پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و ایمان به نبوت آن بزرگوار، مکمل ایمان به توحید و معرفة الله است. ازاین‌رو، در قرآن کریم آمده است:

الف) «هرکس از رسول اطاعت کند، از خدا اطاعت کرده است» (نساء:۸۰). بنابراین اطاعت رسول، همسان با اطاعت خدا دانسته شده است.

ب) «...نیکی آن است که کسی به خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آوَرَد، ...آنانند کسانی که راست گفته‌اند و آنان همان پرهیزگارانند» (بقره:۱۷۷). ثمره این ایمان، قرار گرفتن در زمره صادقین و پرهیزگاران بیان شده است.

طبق شأن نزول برخی از آیات، جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام ازجمله صحابه‌ای بوده است که معرفتی مناسب به رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله داشته و از ایمان‌آورندگان راستین به نبوتش بوده است. از جمله این آیات، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) آیه «مؤمنان واقعی کسانی هستند که به خدا و رسول ایمان دارند، سپس توبه می‌کنند...» (حجرات:۱۵) مؤمنان واقعی را کسانی معرفی می‌کند که علاوه بر ایمان به خدا،

به رسول وی نیز ایمان داشته باشند. در شأن نزول این آیه آمده: «آیه در مورد علی، جعفر، حمزه و ... نازل شده است» (مجلسی، بی‌تا، ج۳۸، ص۲۳۵). براین‌اساس، وی ازجمله مصادیق ایمان‌آوردندگان راستین به رسول اکرم ﷺ بوده است.

ب) منقول است که آیه «و چون کسانی که به آیات ما ایمان دارند نزد تو آیند، بگو: «درود بر شما...» (انعام:۵۴) در شأن امام علی علیه‌السلام، جناب حمزه، جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام و زید نازل شده است (کوفی، ۱۴۱۰، ص۱۳۴ و بحرانی، ۱۴۱۵، ج۲، ص۴۲۴). طبق این خبر، تکریم مذکور شامل ایشان نیز می‌شود.

ج) درجه ایمان جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام به نبوت به حدی بود که پیامبر ﷺ، وی را از خود دانسته است و در حقش فرمود: «مردم از درخت‌های مختلف آفریده شده‌اند، اما من و جعفر از یک درخت آفریده شده‌ایم، یا اینکه فرمود از یک گِل آفریده شدیم» (مجلسی، بی‌تا، ج۲۱، ص۶۴).

مفاد چندین روایت نیز حاکی از آن است که جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام مشمول خشنودی پیامبر ﷺ بود؛ ازجمله:

الف) هنگام بازگشت جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام از حبشه که مصادف با فتح خیبر توسط امام علی علیه‌السلام بود، پیامبر ﷺ فرمود: «فرحتان لا ادري بايّهما اسرّ بفتح خيبر ام بقدوم جعفر؛ دو خرّمی و شادمانی است که نمی‌دانم به کدام خرّم‌تر باشم. به فتح خیبر یا به آمدن جعفر؟» (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج۷، ص۱۰۷).

ب) هنگام شهادت جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام در موته، پیامبر ﷺ گریست و از وی چنین یاد کرد: «...برادر من، همدم من و راوی من بود» (مجلسی، بی‌تا، ج۲۱، ص۶۴).

ج) در روایتی دیگر، پیامبر ﷺ وی را در شمار «خیر الناس» دانسته و فرموده است: «بهترینِ مردم، حمزه، جعفر و علی علیه‌السلام هستند» (همان، ص۶۳).

۲ـ۱ـ۳. معرفت به قیامت و ایمان واقعی به آن

یکی دیگر از عوامل معرفتی ـ شناختی تأثیرگذار در دستیابی سالکان الی الله (از جمله جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام) به «قوس صعودی و تقرب معنوی»، کسب «شناخت واقعی نسبت به قیامت» و ایمان درست به آن است. در بسیاری از آیات، باور به «توحید» و «معاد» در کنار هم، در شمار صفات مؤمنان راستین معرفی شده است (بقره:۲۸۶؛ آل عمران:۱۱۴؛ نساء:۱۷۶؛

مائده:۶۹؛ نور:۲؛ طلاق:۲ و ...)؛ از جمله، آیه «قومی را نیابی که به خدا و روز بازپسین ایمان داشته باشند... در دل اینهاست که [خدا] ایمان را نوشته و آنها را با روحی از جانب خود تأیید کرده است، و آنان را به بهشت‌هایی که از زیر [درختان] آن جوی‌هایی روان است درمی‌آورد، همیشه در آنجا ماندگارند، خدا از ایشان خشنود و آنها از او خشنودند، اینانند حزب خدا. آری، حزب خداست که رستگارانند» (مجادله:۲۲). در این آیه، به مؤمنان به خدا و قیامت، وعده تأیید الهی و بهشت برین داده شده است.

تتبع در شأن نزول برخی از آیات، نمایانگر این مطلب است که جناب جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام، از این عامل بنیادین در عرصه قوس صعودی نیز بی‌بهره نبوده و باور راسخ به معاد، یاریگر وی در عرصه سلوک الی الله بوده است. به عنوان نمونه:

ذیل آیه «آیا سیراب ساختن حاجیان و آباد کردن مسجدالحرام را همانند [کار] کسی پنداشته‌اید که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده است و در راه خدا جهاد می‌کند؟ ...» (توبه:۱۹) آمده: منظور (از ایمان‌آورندگان و جهادگران در راه خدا)، حمزه، امام علی علیه‌السلام، جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام و عباس است (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج۲، ص۱۹۳). در آیه مذکور، پس از ذکر ایمان به آخرت، تعبیر ﴿وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾ ذکر شده است که طبق روایتی، جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام، مصداقی از «جهادگران فی سبیل الله» محسوب می‌شود. در خبری آمده است: شخصی در جنگ موته از وی سؤال نمود: «آیا سؤالی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله داری که هرگاه او را ملاقات کردم آن را برای حضرتش بازگو نمایم؟ پاسخ داد: بله، به وی بگو: ای رسول خدا! ما یافتیم آنچه را که پروردگارمان به ما وعده داده بود حق است» (قندیل، بی‌تا، ص۱۰۲). سرانجام وی در این جنگ به شهادت رسید.

البته کشته شدن برای مجاهدان فی سبیل الله، عهد آنها با خداوند است؛ همان گونه که آیه زیر به آن اشاره می‌کند: «از میان مؤمنان مردانی‌اند که به آنچه با خدا عهد بستند صادقانه وفا کردند. برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آنها در [همین] انتظارند و [هرگز عقیده خود را] تبدیل نکردند» (احزاب:۲۳). در روایتی آمده است: «مراد از کسانی که به عهدشان وفا کردند آنهایی هستند که اجلشان فرا رسیده و آنها حمزه و جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام هستند ...» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج۴، ص۱۸۰ و بحرانی، ۱۴۱۵، ج۴، ص۴۲۹).

ثمره این موفقیت در عرصه قوس صعودی (برآمده از باور قلبی و کاکردهای نیک او) سبب شده است تا وی از مقام رفیعی در قیامت برخوردار گردد که بنابر روایات، از دو راه می‌توان به آن پی برد:

راه اول: طبق برخی از روایات، ایشان ازجمله مصایق «رجال اعراف» هستند. «ضحّاك گوید: از ابن‌عباس در معنای آیه ﴿وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ ...﴾ (اعراف:۴۶) سؤال شد. وی در جواب گفت: اعراف، جایگاه بلندی است بر روی صراط که علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام، حمزه سیدالشهداء، جعفر طیّار و عباس بر آن بلندی قرار دارند. آنان دوستان خود را که دارای چهره‌های نورانی هستند و دشمنان خویش را هم که دارای چهره سیاه و تاریك‌اند می‌شناسند» (کاشانی، بی‌تا، ج۴، ص۳۴).

راه دوم: طبق برخی روایات، قاتلان جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام در عذاب جهنم هستند. در روایتی درباره آیه ﴿...مُرْجَوْنَ لِأَمْرِ اللَّهِ﴾ (توبه:۱۰۶) آمده است: «مشرکانی که امثال حمزه و جعفربن‌ابی‌طالب و مانند آنها را کشتند، (در ظاهر) اسلام آورده، وحدانیت خدا را پذیرفته و شرك را رها کردند، درصورتی‌که هیچ‌گاه ایمان در دل‌هایشان راه نیافته بود که از مؤمنان واقعی شمرده شوند و بهشت برایشان حتمی گردد ...» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج۲، ص۲۶۵ و مجلسی، بی‌تا، ج۲۰، ص۱۱۴).

۲ـ۲. عوامل رفتاری ـ عملی

آیه «هرکس سربلندی می‌خواهد، سربلندی یکسره از آنِ خداست. سخنان پاکیزه به‌سوی او بالا می‌رود، و کار شایسته به آن رفعت می‌بخشد» (فاطر:۱۰)، حاکی از این است که: «ایمان» و «رفتار»، رابطه‌ای دوسویه دارند؛ زیرا مقصود از صعود، تقرّب به خدا و مقصود از کلم طیب، اعتقادات درستی است که باور به آنها موجب عمل صالح می‌شود. ازطرفی رفتار و اخلاق نیکو نیز اعتقاد حقّه را در صعود به‌سوی خدا یاری می‌کند و آن را بالا می‌برد؛ زیرا هرچه اخلاق و رفتار بر اساس اعتقاد تکرار شود، باور راسخ‌تر و روشن‌تر و تأثیر آن بیشتر می‌گردد» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج۲۳، ص۱۷).

به لحاظ مصداقی، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله که دارای عالی‌ترین مرتبه ایمان بود، با انجام اعمال صالح و نیک خود، موفق گردید تا به بالاترین مرتبه قوس صعودی دست یابد. آن حضرت به جایی

رسید که خداوند در حقش فرمود: «درحالی‌که در افق اعلا بود. سپس نزدیک رفت و نزدیک‌تر شد. پس [فاصله‌اش با پیامبر] به‌اندازه فاصله دو کمان گشت یا نزدیک‌تر شد» (نجم:۷ـ۹).

نکته شایان توجه اینکه آیه «هرکس سربلندی می‌خواهد، سربلندی یکسره از آنِ خداست. سخنان پاکیزه به‌سوی او بالا می‌رود، و کار شایسته به آن رفعت می‌بخشد» (فاطر:۱۰) و آیات همخوان با آن به این مطلب اشاره دارند که طی کردن راه تقرب و دستیابی به قوس صعودی در پرتو اعمال صالحه، به روی همگان باز است.

از تتبع در آثار حدیثی و غیرحدیثی نگارش‌یافته در مورد شخصیت جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام به‌وضوح درمی‌یابیم که زندگی آن بزرگوار، ضمن برخورداری از ایمان به خدای متعال و دیگر مجموعه‌های باوری، مزین به اعمال و رفتار حسنه نیز بوده است؛ به‌گونه‌ای که طبق روایتی، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله خطاب به آن جناب فرمود: «تو در چهره و اخلاق، شبیه من هستی» (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹، ج۷، ص۳۳۶ و مجلسی، بی‌تا، ج۲۰، ص۳۷۳).

در ادامه این نوشتار، به بازگویی برخی از مصادیق رفتارها و اعمال نیک مؤثر در موفقیت جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام در عرصه قوس صعودی و سیر الی الله بسنده می‌شود:

۲ـ۲ـ۱. عبودیت خالصانه

آیه شریفه «و درحقیقت، در میان هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم [تا بگوید] خدا را بپرستید و از طاغوت [فریبگر] بپرهیزید...» (نحل:۳۶) به‌صراحت اعلام می‌دارد که فلسفه بعثت انبیاء، گسترش فرهنگ عبودیت در جوامع بشری بوده است. حدیث شریف «بنده‌ام! مرا اطاعت کن تا تو را مانند خود سازم...» (حر عاملی، ۱۳۸۰، ج۱، ص۷۰۹)، گویای این حقیقت است که عبودیت خالصانه و واقعی، نقشی بنیادین در دستیابی به قوس صعودی و رسیدن به مقام تقرب دارد. براین‌اساس، جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام در پرتو عبادات خالصانه خود، موفق به درک «قوس صعودی» گردیده است. در روایتی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله آمده است: «در قیامت، پرچم تهلیل را به دست علی علیه‌السلام ... پرچم تکبیر را به دست حمزه... و پرچم تسبیح را به دست جعفر می‌دهم» (کوفی، ۱۴۱۰، ص۵۴۸). طبق این روایت، جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام به دلیل انجام عبادت خالصانه به جایی رسیده است که در قیامت، پرچم تسبیح در دست وی خواهد بود.

۲ـ۲ـ۲. بخشش در راه خدا

دومین مصداق از مجموعه مصادیق عوامل رفتاری ـ عملی مؤثّر در سلوک معنوی جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام، بخشش و سخاوت در راه خداست که در روایات، از اخلاق انبیا و ستون ایمان دانسته شده است. امام صادق علیه‌السلام در این زمینه می‌فرماید: «بخشش، از اخلاق انبیا و ستون ایمان است. مؤمن نیست کسی که بخشنده نباشد و بخشنده نیست مگر اینکه صاحب یقین و همت عالی باشد؛ زیرا بخشش، پرتوی از نور یقین است» (مجلسی، بی‌تا، ج۶۸، ص۳۵۵). نقطه مقابل سخاوت، «بخل» است و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در این باره فرمود: «بخل و ایمان در یك دل جمع نشود» (ابن‌بابویه، ۱۳۶۲، ج۱، ص۷۶).

جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام در عرصه قوس صعودی، از این صفت حمیده اخلاقی بی‌بهره نبود. منقول است که به وی «ابوالمساکین» می‌گفتند (مجلسی، بی‌تا، ج۲۱، ص۶۳). در این زمینه، نقل شده است که: «...سخاوتمندترین مردم نسبت به فقرا جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام بود. نیازمندی گوید: او وارد خانه‌اش می‌شد و هرچه داشت برای ما می‌آورد...» (معرفت، ۱۴۱۸، ج۲، ص۱۰۱).

۲ـ۲ـ۳. صبر همه‌جانبه در طریق بندگی خدا

یکی دیگر از مصادیق عوامل رفتاری ـ عملی مؤثر در دستیابی جعفر به قوس صعودی و تقرب به پروردگار، عمل ارجمند «صبر» است، در روایتی، امام علی علیه‌السلام ضمن تشویق همگان به صبر، با تمثیلی زیبا، صبر را از نشانه‌های ایمان دانسته و فرموده است: «بر شما باد به صبر؛ زیرا صبر در ایمان، مانند سر در بدن است. همان گونه که سودی در جسد بدون سر نیست، سودی هم در ایمان بدون صبر نیست» (شریف الرضی، ۱۴۱۴، ص۴۸۲).

جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام برای تقرب الی الله و سلوک در قوس صعودی معنوی، خود را به این صفت اخلاقی نیز مزین کرده بود. آیه شریفه «...شکیبایان پاداش خود را بی‌حساب [و] به تمام خواهند یافت» (قصص:۸۰) شاهدی بر درستی این سخن است؛ زیرا هرچند مضمون این آیه عام است و صبر در همه بلاها را شامل می‌شود، اما گفته شده که شأن نزول آن در مورد جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام است که برای حفظ دین خود، بر ترک وطن صبر کرد (میبدی، ۱۳۷۱، ج۸، ص۳۹۳ و طبرانی، ۲۰۰۸، ج۵، ص۵۶۷).

۲ـ۲ـ۴. مهاجرت برای حفظ دین

ازجمله مصادیق عوامل رفتاری ـ عملی مؤثر در دستیابی جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام به قوس صعودی، عبارت است از: مهاجرت برای حفظ و صیانت از اعتقادات خود. خداوند در قرآن برای سالک الی الله، در صورت بروز شرایط سخت، نسخه کارساز «مهاجرت» را تجویز کرده است. در این راستا، آیه «ای بندگان من که ایمان آورده‌اید! زمین من فراخ است. تنها مرا بپرستید» (انعام:۵۶)، اشاره به گستردگی زمین دارد و بیانگر این نکته است که کسانی که در دیار کفر گرفتار هستند می‌توانند برای حفظ ایمان خود، از وطنشان مهاجرت کنند.

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز فرمود: «هرکس برای (حفظ) دین خود، از سرزمینی به سرزمین دیگر، ولو به‌اندازه یك وجب زمین باشد، بگریزد، سزاوار بهشت باشد و همدم ابراهیم و محمّد است» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج۳، ص۱۵۳).

جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام نیز به دلیل مهاجرت در راه خدا، ازجمله مشمولان این نعمت بوده است؛ زیرا وی در هر دو هجرت مسلمانان (یکی هجرت به حبشه و دیگری هجرت به مدینه) شرکت داشت. در مهاجرت اول، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله وی را با جمعی از اصحاب، به حبشه نزد نجاشی (که پادشاه عادلی بود) فرستاد و هنگامی که مسلمانان بر نجاشی وارد شدند، نجاشی از آنها پرسید از آیاتی که برای شما نازل شده است چیزی می‌دانید؟ جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام که زبان حبشی را می‌دانست آیاتی را از سوره مریم تلاوت و ترجمه کرد» (معرفت، ۱۴۱۸، ج۱، ص۱۵۴).

برخی در شأن نزول دو آیه زیر، به این هجرت اشاره کرده‌اند:

الف) ذیل آیه «بگو ای بندگان من که ایمان آورده‌اید! از پروردگارتان پروا بدارید. برای کسانی که در این دنیا خوبی کرده‌اند، نیکی خواهد بود، و زمین خدا فراخ است ...» (زمر:۱۰)، در روایتی گفته شده: «این آیه در مورد جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام و یارانش نازل شده است» (ابن‌حموش، ۱۴۲۹، ج۱۰، ص۶۳۱۰ و قرطبی، ۱۳۶۴، ج۱۵، ص۲۴۰).

ب) ذیل آیه «کسانی که بر خویشتن ستمکار بوده‌اند، [وقتی] فرشتگان جانشان را می‌گیرند، می‌گویند: در چه [حال] بودید؟ پاسخ می‌دهند: ما در زمین از مستضعفان بودیم. می‌گویند: مگر زمین خدا وسیع نبود تا در آن مهاجرت کنید؟» (نساء:۹۷) نیز در روایت آمده است: این آیه، به هجرت جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام و یارانش اشاره دارد (مجلسی، بی‌تا، ج۳۵، ص۱۲۲).

۲ـ۲ـ۵. شهادت در راه دین

مصداق دیگر از مجموعه عوامل رفتاری ـ عملی که منشأ موفقیت جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام در سیر الی الله گردید، شهادت در راه خدا بود. در آثار برجای‌مانده از بزرگان (طیب، ۱۳۶۹، ج۳، ص۴۰۵)، یکی از آیاتی که دلالت بر قوس صعودی انسان دارد، این آیه است: «و اگر [در راه جهاد] بمیرید یا کشته شوید، قطعاً به‌سوی خدا گرد آورده خواهید شد» (آل عمران:۱۵۸) که می‌رساند کسی که در راه دین بمیرد یا کشته شود، مقامش به حدّی بالا می‌رود که در جوار الهی محشور می‌شود.

جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام نیز یکی از شهدای صدر اسلام است. درباره چگونگی شهادت وی آمده است: «در جنگ موته در سال هشتم هجری جنگید تا دو دست او قطع شد، سپس کشته شد. پس پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: خداوند به‌جای این دو دست، دو بال به او عطا کرد که در بهشت هر جایی بخواهد برود. از اینجا بود که به او جعفر ذوالجناحین گفته شد» (مجلسی، بی‌تا، ج۲۲، ص۲۷۶).

موفقیت جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام در عرصه والای قوس صعودی را می‌توان از کلام پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فهمید. آن حضرت در حدیثی طولانی که در آن، صفات یاران خود را بیان می‌کند می‌فرماید: «جَعْفَرٌ ذُوالْجَنَاحَيْنِ يَطِيرُ بِهِمَا مَعَ الْمَلَائِكَةِ حَيْثُ يَشَاء؛ جعفر ذوالجناحین با ملائکه با دو بال هرجا بخواهد پرواز می‌کند» (بحرانی، ۱۴۱۵، ج۲، ص۴۹۵). به همین دلیل، وی ملقب به «جعفر طیّار» است (مجلسی، بی‌تا، ج۸۲، ص۸۳). امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: «جعفر دارای دو بال، دو قبله، دو هجرت، و دو بیعت از شجره مبارکه بود ...» (همان، ص۲۲۳ و ۲۴۶).

نتیجه‌گیری

عوامل تأثیرگذار در دستیابی جعفربن‌ابی‌طالب علیه‌السلام به مراتب شایسته‌ای از «قوس صعودی» و «تقرب معنوی» را می‌توان در دو دسته نظاره‌گر بود. نخست، عوامل معرفتی ـ شناختی هستند. معرفت به مبدأ الهی و ایمان راستین به خدای متعال، شناخت شخصیت و منزلت والای رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و ایمان به آن بزرگوار و معرفت به قیامت، از این دسته به شمار می‌آیند. دوم، عوامل رفتاری ـ عملی هستند. بندگی خالصانه، بخشش در راه خدا (مشهور شدنش به ابوالمساکین)، صبر در راه خدا، هجرت در راه اسلام و شهادت، ازجمله امور دسته دوم هستند.

فهرست منابع

قرآن کریم، ۱۳۹۸ش، ترجمه: محمدمهدی فولادوند، تهران: پیام عدالت.

۱. ابن‌بابویه، محمدبن‌علی، ۱۳۶۲ش، الخصال، قم: بی‌نا.

۲. ابن‌حموش، مکی، ۱۴۲۹ق، الهدایة إلی بلوغ النهایة، شارجه: جامعة الشارقه، کلیة الدراسات العلیا و البحث العلمی.

۳. ابن‌کثیر، اسماعیل‌بن‌عمر، ۱۴۱۹ق، تفسیر القرآن العظیم (ابن‌کثیر)، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.

۴. ابوالفتوح رازی، حسین‌بن‌علی، ۱۴۰۸ق، روض الجنان و روح الجنان في تفسیر القرآن، مشهد مقدس: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

۵. بحرانی، سیدهاشم‌بن‌سلیمان، ۱۴۱۵ق، البرهان في تفسیر القرآن، قم: مؤسسة البعثة، قسم الدراسات الإسلامیة.

۶. بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، بی‌تا، پایگاه دانشنامه اسلامی، اصفهان: موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت علیهم‌السلام.

۷. پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۸۲ش، نهج الفصاحة؛ مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله، تهران: سازمان انتشار جاویدان.

۸. تمیمی آمدی، عبدالواحدبن‌محمد، ۱۴۱۰ق، غرر الحکم و درر الکلم، قم: دار الکتاب الاسلامی.

۹. حُرّ عامِلی، محمدبن‌حسن، ۱۳۸۰ش، کلیات حدیث قدسی، ترجمه: زین‌العابدین کاظمی خلخالی، تهران: دهقان.

۱۰. حسکانی، عبیدالله‌بن‌عبدالله، ۱۴۱۱ق، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تهران: وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی، مؤسسة الطبع و النشر.

۱۱. دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۱۰ش، فرهنگ دهخدا، تهران: انتشارات امیر کبیر.

۱۲. شریف الرضی، سیدمحمدبن‌حسین، ۱۴۱۴ق، نهج البلاغة (للصبحی صالح)، قم: بی‌نا.

۱۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۳۹۰ق، المیزان في تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

۱۴. طبرانی، سلیمان‌بن‌احمد، ۲۰۰۸م، التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی)، اربد: دار الکتاب الثقافی.

۱۵. طبرسی، فضل‌بن‌حسن، ۱۳۷۲ش، مجمع البیان في تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.

۱۶. طیب، سیدعبدالحسین، ۱۳۶۹ش، اطیب البیان في تفسیر القرآن، تهران: اسلام.

۱۷. عروسی حویزی، عبدعلی‌بن‌جمعه، ۱۴۱۵ق، تفسیر نور الثقلین، قم: اسماعیلیان.

۱۸. فیض کاشانی، محمدمحسن، ۱۴۱۵ق، تفسیر الصافي، تهران: مکتبة الصدر.

۱۹. قرطبی، محمدبن‌احمد، ۱۳۶۴ش، الجامع لأحکام القرآن، تهران: ناصر خسرو.

۲۰. قمی، علی‌بن‌ابراهیم، ۱۳۶۳ش، تفسیر القمي، قم: دار الکتاب.

۲۱. قندیل، محمدابن‌حسن، بی‌تا، اعجاز القرآن العلمی و البلاغی و الحسابی، اسکندریه: دار ابن‌خلدون.

۲۲. کاشانی، فتح‌الله‌بن‌شکرالله، بی‌تا، منهج الصادقین في إلزام المخالفین، تهران: کتاب‌فروشی اسلامیه.

۲۳. کوفی، فرات‌بن‌ابراهیم، ۱۴۱۰ق، تفسیر فرات الکوفي، تهران: وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی، مؤسسة الطبع و النشر.
۲۴. مجلسی، محمدباقربن‌محمدتقی، بی‌تا، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: دار إحیاء التراث العربی.
۲۵. معرفت، محمدهادی، ۱۴۱۸ق، التفسیر و المفسرون في ثوبة القشیب، مشهد مقدس: الجامعة الرضوية للعلوم الإسلامية.
۲۶. میبدی، احمدبن‌محمد، ۱۳۷۱ش، کشف الاسرار و عدة الابرار (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری)، ۱۰ جلد، تهران: امیر کبیر.